



۳۰

سوسیالیسم امروز

۶ ژانویه ۲۰۱۸ دی ۱۳۹۶

www.simroz.org

S_zijji@yahoo.se

سرپرست: سلام زیجی



ما فقط برای یک پیروزی سوسیالیستی مبارزه میکنیم!

بدون پیروزی سوسیالیسم هیچ اعتراض و "انقلابی" به نفع طبقه کارگر و اکثریت جامعه تمام نخواهد شد!

سلام زیجی

آنچه ایران را لرزاند!

صفحه ۶

اصلاح طلبی مرد،

زنده باد آزادی، مرگ بر جمهوری اسلامی!

صفحه ۹

نقش زنان مبارز و شجاع در اعتراضات

صفحه ۱۱

اسلام و تسلیم نقطه مقابل آزادیند

صفحه ۸

از خیزش و قیام کارگران و زحمتکشان ایران

حمایت می کنیم!

صفحه ۱۰

بیانیه تشکلهای مستقل کارگری

پیرامون اعتراضات خیابانی مردم

صفحه ۱۰

جمعی از کارگران نیشکر هفت تپه

فراخوان به تجمع

اطلاعیه حزب سوسیالیست انقلابی در باره

تجمعات اعتراضی امروز

در ایران

صفحه ۱۲

اکنون وارد یازدهمین روز اعتراضات بر حق جامعه علیه فقر، گرانی، فساد، استبداد و حاکمیت سیاه جمهوری اسلامی میشویم. در این فاصله تعداد زیادی به وسیله جنایتکاران اسلامی کشته و مجروح و بازداشت شده اند. همینجا به خانواده کشته شدگان صمیمانه تسلیت گفته، و خواهان آزادی فوری کلیه بازداشت شدگان هستیم.

آنچه که اتفاق افتاد، نه "فتنه" است و نه دخالت "دشمن خارجی". اینها چرندیات ملال آور جنایتکاران وحشی اسلامی و سرمایه داران حاکم برای پوشش برحقایقهای دیگر و زمینه سازی سرکوب است! اما حتی اگر چنین سوراخهای در پیکره جمهوری اسلامی، که خود هم "فتنه گر" و هم "دشمن" واقعی طبقه کارگر و زنان و جوانان و اکثریت جامعه ایران و مردم بی دفاع کشورهای منطقه نیز بوده است، وجود داشته باشد، باز هم بر میگردد به رابطه این رژیم با جامعه، و واقعیت پدیده شکل گیری جمهوری اسلامی در سال ۵۷.

بعد از ۳۹ سال تمام سرکوب عریان، کشتار و خونریزی، قتل و عام و اعدام و زندان بی وقفه، نسل کشی و فساد و چپاول ثروت عظیم یک کشور بزرگ، و قتی هنوز و هر روز "فتنه و دشمنی" کشف میگردد، گویای بی ربی این رژیم با جامعه ایران است.

صفحه ۲

کارگران جهان متحد شوید!



جامعه و مردم آگاه و سکولار و مترقی همیشه سر ستیز داشته است. از اینرو هر اقدام اعتراضی همواره به یک امر سیاسی و کشمکش رودرو با حاکمیت منجر شده، دقیقاً اتفاقی که اینبار نیز افتاده است. مبارزه علیه فقر، و فساد و گرانی فوراً به مبارزه با استبداد، فساد، حکومت مذهبی و رهبری رژیم و کلیت جمهوری اسلامی کشیده شد.

از تجربه سال ۵۷ باید درس گرفت!

سال ۵۷ هم داستان همین بود، علیه فقر و از محلات حاشیه نشینی شهرها شروع شد، کارگران نیروی محرکش بودند، و بلاخره "همه مردم" و "هم میهنان" علیه مستبد پادشاهی، علیه استبداد و ساواک و علیه حاکمیت فردی و خاندان پهلوی به میدان آمدیم. همان زمان واقعتاً این بود که جنبش بورژواها، چه ملی چه مذهبی، در سایه دولتهای غربی، از جمله دولت امریکا، همان کارهای که اکنون سرگرم آن هستند انجام دادند و بر ما انقلاب کنندگان واقعی و مردم به پا خاسته علیه استبداد مفت خوران شاهنشاهی و تلاش ما برای رفاه و آزادی پیروز گردیدند. جمهوری آدمکش اسلامی محصول این پیروزی پر هزینه و درد آور بر ما، یعنی اکثریت انسانهای شرافتمند و مبارز، زنان و کارگران سوسیالیست و آزادیخواه بود!

از تجربه سال ۵۷ تا ۳۹ سال مبارزه بی وقفه و تجربه غنی که داریم، از جمله تجربه و شواهد زنده یازده روز اعتراضات توده ای کنونی به ما میگوید مخاطره تکرار رویداد ۵۷ را باید جدی گرفت، و چنین اتفاقی نه تنها مهلک که برای نسلی از انقلابیون که خود در آن زمان حضور داشته اند و اکنون همان راه ورشکسته را از نو تکرار میکنند، یک خیانت بسیار بزرگی به طبقه کارگر ایران و هر کسی که برآستی دنبال آزادی، برابری، رفاه و خوشبختی و رهایی از زندگی تحت حاکمیت‌های امتحان پس داده شده اسلامی ها و ناسیونالیست‌ها و ملی گرایان برود، محسوب میگردد و غیر قابل جبران خواهد بود!

ما فقط برای یک پیروزی سوسیالیستی مبارزه میکنیم! بدون پیروزی سوسیالیسم هیچ اعتراض و "انقلابی" به نفع طبقه کارگر و اکثریت جامعه تمام نخواهد شد!

ما فقط برای یک پیروزی سوسیالیستی...

از آنجا که وصله بسیار نا جوری بوده بر پیکره جامعه، تحمیل شده زور شمشیر و اعدامهای خیابانی شبیه داعشی و با حمایت بی دریغ دولت امریکا بر ما میباشد، همواره و در طول عمر خود و هر روز کم و بیش با انواع "فتنه ها" و "دشمنی ها" روبرو بوده است. تا این هیولای وحشی به حیات کثیف خود ادامه دهد این داستان همچنان ادامه خواهد داشت.

بی ربطی رژیم به منفعت اکثریت جامعه ریشه اعتراضات است

در نتیجه ریشه پایه دارتر اعتراضاتی که اکنون ابعاد گسترده تری پیدا کرده است در گام نخست بر میگردد به همان وقایع سال ۵۷ (۷۹ میلادی). بازگشت ما به آن دوره و درس گرفتن از عواملی که توانست چنین جانوری را قریب به چهار دهه با زور و فریب و سرکوب و حمایت جنبشها و احزاب بورژوازی "هم میهن" و "امپریالیستی" به ما انقلاب کنندگان سال ۵۷ تحمیل نمایند بسیار سرنوشت ساز است. آنهایی که میخواهند آن تاریخ و تجربه را به فراموشی بسپاریم بدانید که دارند همان تاریخ را در شکل دیگری علیه طبقه کارگر و جنبش آزادیخواهی تکرار میکنند! اتفاقاً باید درست در این دورنهای "پر شور" و "انقلابی" به قلب این حقایق پی برد و انرا امروز در مبارزه خود بکار بست. رژیم اسلامی علاوه بر نقس هدمند طبقه بورژوا و دولتهای غربی علیه صدای بلند چپ و کارگران در سال ۵۷، محصول یک "انقلاب همگانی" و "همه باهم" و بر بستر ناآمدگی، اغتشاش فکری و سیاسی، پوپولیسم مزمن، توهم پراکنی خرده بورژوائی، و عدم سازمانیافتگی کارگر و جریانات چپ و کمونیستی آندوره، به جامعه تحمیل نمایند. رژیم اسلامی با رهبری خمینی جلابعداز کلاه گذاشتن سر بخشی از چپ و جامعه و همراهی کردن همین جریانات ملی اسلامی ها با او توانست خود را به عنوان نماینده معقول "انقلاب" معرفی و قدرت را بگیرد و بقیه را کشتار کرد و فراری داد. همچنانکه اشاره گردید، دقیقاً به همین دلیل واقعی است که در ۳۹ سال گذشته این رژیم هر گز نتوانست خود را با واقعیت جامعه ایران به ویژه با نیاز واقعی طبقه کارگر و زن و جوان آن مملکت خود را منطبق سازد و همچنین با سرکوب و کشتار نیز قادر نشد آنان را به تسلیم بکشاند.

منشاء واقعی اعتراضات این دوره را نیز باید از همینجاستجو نمود. از این واقعیت که آن جامعه همان زمان نیز به هدف خود نرسید و سرکوب شد! این رژیم دست ساز و تحمیلی اسلامی را به عنوان جانشین سیستم مستبد پادشاهی و به عنوان نظام حافظ سرمایه داری و استبداد و زندان و ارتش و دستگاه سرکوب، با



iransocialist2017@gmail.com

www.simroz.org

۰۰۳۳۷۵۸۰۷۸۴۱۰ / ۰۰۴۷۹۲۸۳۱۳۷۶ / ۰۰۴۶۷۶۲۳۴۹۶۸۳



آزادی، برابری، حکومت کارگری!



اما در قطب
چپ متاسفانه
تا این
لحظه، بجز
—واردی،
غالبان با همان
سنت و
شعارها و
توهم پراکنیها
و بدون اتکا به

منفعت مستقل کارگری و سوسیالیستی دوره سال ۵۷ دارند فعالیت و تبلیغات میکنند، و این بسیار بسیار خطرناک و هشدار دهنده است! زیان مستقیم آن طبقه کارگر و اکثریت توده زحمتکش، و نفع آنرا جمهوری اسلامی، سلطنت طلبان و مجاهدین چارقت بسر، ملی-اسلامی ها و امثال ترامپ و طبقه بورژوا ناسیونالیستی ایران خواهند برد!

راه حل کنونی ما

از نظر من و از نظر حزب ما، حزب سوسیالیست انقلابی ایران، باید مسیر متفاوت تر و مناسبتری طی نمود، تا هم از تکرار سناریو سال ۵۷ پرهیز نمود، و هم بتوان خواست اکثریت معترضین و متنفذین از جمهوری اسلامی و نظام سرمایه داری حاکم را به نفع خود به سرانجام رساند. از خود مشغولی به این و آن شعار "رادیکال" باید عبور نمود تا کل صحنه نبرد و حقایق را دید. و ما موظف هستیم همین حقایق را، نه فقط نصف آنرا، هر لحظه به جامعه بگوییم. باید طبقه کارگر و مردم تشنه آزادی و برابری را هم علیه جمهوری جنایتکار اسلامی رهبری و هدایت نمود و همزمان باید بدون درنگ چهره دروغین احزاب و شخصیت‌های بورژوازی و ملی و اسلامی‌هایی که بر شمرده بر ملا نمود و از مردم خواست دنبال آنها نروند تا به چاله دیگری نیافتند.

در این راستا مردم معترض، طبقه کارگر، صف آزادیخواهان، احزاب و نیروهای مسئول و سوسیالیست را فرا میخوانیم به مبارزه و تلاش هماهنگ و مشترک پیرامون مهمترین جوانب مبارزه‌ی که پیشرو داریم. باید بتوانیم جنبش کارگری و سوسیالیستی، شامل کلیه کارگران و زنان و جوانان و آزادیخواهان متنفذ از جمهوری اسلامی و نظام سرمایه داری و طرفداران دستیابی به یک جامعه آزاد، برابر، مرفه، شورائی و سوسیالیستی را، بطور متحد در جهت پیروزی بر جمهوری اسلامی و قطب راست و ارتجاعی در اپوزسیون گام برداریم. در این جهت باید بر نکات زیر تاکید نمود:

۱- پرهیز از در پیش گرفتن سیاستها و اشتباهاتی که سال ۵۷ مرتکب آن شدیم. نسل انقلابیون چپ و کارگری آندوره مسئولند در قبال تحولات کنونی. مسئول هستیم که آن تجربه بسیار غنی را به چراغ راهنما و اتحاد بیشتر صفوف طبقاتی کارگران، زنان، جوانان، صف آزادیخواهان و سوسیالیستها تبدیل نمائیم.

ما فقط برای یک پیروزی سوسیالیستی... مخاطرات

در این تحولات نیز همچنانکه قابل انتظار و طبیعی است یکبار دیگر شاهد "خودجوش" اعتراضات، "جنبش همگانی" و "انقلاب" هستیم. و در این جنبش همگانی مانند هر مورد تاریخی دیگری از جمله سال ۵۷ اعتراضات از محلات فقیر نشین و با نقش "مطالبه چپ" شروع شده است. اما درست مانند همان زمان، در صورت تامین نکردن رهبری چپ و بیان صریح کل پلاتنرم و آینده چپ و جنبش سوسیالیستی، در صورت نگفتن کل حقایق با جامعه، در صورت پرهیز نکردن از سیاست مسموم پوپولیستی، و در صورت نداشتن نقشه برای کسب قدرت سیاسی، در نهایت باز هم این خود چپ و کارگر و مردم فقیر و بی سرپنا و شرافتمند محلات و مراکز کارگری هستند که از پیروزی محروم و از کسب قدرت دولتی باز خواهد ماند! این وارونگی را ما حق نداریم تکرار کنیم و واقعیتها و مخاطرات را زیر فرش قایم کنیم و تنها با شعارهای "انقلابی" و پوپولیستی و دنباله روانه خودمان و سازمانمان و مردم در حال اعتراض را "پرخروش" نگاه داریم! و نسبت به آینده و پیروزی بر ارتجاع حساب شده عمل ننماییم. باید از تکرار این سیکل ویرانگر جلوگیری نمود. همین امروز باید جلوش را گرفت، فردا دیر خواهد بود و غیر ممکن!

واقعیت این است که جریان‌های راست و ملی-اسلامی ها، با وجود اعتراض "رادیکال" تا این لحظه نیز بیشترین ابتکار را در دست دارند و فضا را الوده و از مبارزه برحق جاری دارند سو استفاده میکنند و به مسیر بسیار ارتجاعی ملی هدایت میکنند. چرا که هم کار کشته اند و هم برای هدایت جنبش خودشان و فریب جامعه صریحتر و عوامفریبتر حرف می زنند. پول های باد آورده دارند و انواع مدیا درست کرده اند، و از عدم انسجام کافی و پراکندگی طیف چپ و کمونیستها نیز دارند به نفع خود سود می برند، دقیقا دنبال همان سناریو و سیاستهای هستند که سال ۵۷ بخشی از چپ را به زیر عباي خود و خمینی کشاندند. امروز میخواهند زیر عباي ملی اسلامی های "دمکراتیک" "مجلس موسسان"، "حقوق بشر کورش"، امثال فسیل های مانند بنی صدر ولیعهد و رجوی ها و دیگر غزعلات سوق دهند. جلو راندن "اسانلو فعال کارگر" که از "انقلاب ملی" و "ولایت فقیه" و "مهین عزیزمان" هیاهوی چندش آوری راه انداخته، همه نشانه و جود پتانسیل و ابتکارات شیادانه بورژوازی اپوزیسیون از کسانی است که لباس کارگری بر تن دارند تا کارگران را نه به سوی حکومت کارگری و سوسیالیسم و پایان دادن به نابرابری که بسوی بازگشت "دمکراتیک" رعیت شدن دوران شاهنشاهی فراخوان بدهند!

از بی بی سی تا ترامپ و ولیعهد و بنی صدر و فرح پهلوی و خانم رجوی و خانم شیرین عبادی و کلیه جریان‌های ملی گرا در پوشش "ملت ایران" انقلاب ملی، "همه با هم" و اکنون زمان "طرح اختلافات نیست". برای "بعد نگهداریم" و وو دارند تیشه به ریشه همان کارگر و زن و جوانی میزنند که برآستی علیه گرسنگی، فقر، فساد، مذهب و کلیت جمهوری اسلامی به میدان آمده اند.

آزادی، برابری، رفاه، امنیت!

ما فقط برای یک پیروزی سوسیالیستی...



۶- در کنار استقلال سیاسی-سازمانی خود، تامین سطحی از همکاری، هماهنگی و پرهیز از فرقه گرایی و خود محور بینی در بین کل نیروهای چپ سرنگونی طلب یک امر فوری و ضروری است در این مقطع. بنظر ما حتی ممکن است یک رهبری مشترک برای هدایت سوسیالیستی مبارزات اجتماعی و کارگری نیز از میان احزاب چپ و کمونیست چه در داخل و چه در خارج کشور تامین کرد.

۷- اعلام مطالبات روشن، شعارهای واقعی و مربوط به جامعه از جمله کارگران و زنان و جوانان و توده زحمتکش و همچنین فراخوان برای نوع نظام حکومتی که باید جانشین جمهوری اسلامی گردد از همین امروز با صدای بلند و بدون کوتاهی باید به راس مسائل و اعتراضات برود. "سرنگونی فوری کلیت جمهوری اسلامی، آزادی، برابری، رفاه و سوسیالیسم"، در راس مطالبات و شعارهای کارگران و جامعه باید قرار بگیرد، و همچنین باید خواهان انحلال کلیه ارگانها مسلح دولتی و حرفه ای شده، خواهان آزادیهای بی قید و شرط، لغو اعدام و زندانی سیاسی، برابری زن و مرد، نه قومی نه مذهبی، زنده باد برابری، و...، شد.

۸- اینکه آینده این اعتراضات به کجا خواهد انجامید هنوز نمی توان حکم قطعی در باره اش صادر کرد. اما اگر رهبری و هژمونی سوسیالیستی و کارگری بر آن ناظر نگردد، هم نتیجه آن به نفع جامعه نخواهد بود و هم عمر آن کوتاهتر از چیزی خواهد بود که تصور میشود. اما آنچه معلوم است حتی اگر سرکوب هم گردد تناسب قوای کنونی سر جای اول خود باز نمی گردد! شکاف بین جامعه با جمهوری اسلامی بسیار عمیقتر شده است و این کشمکش در شکل عریان و گسترده تر ادامه خواهد یافت تا سرنگونی قطعی جمهوری اسلامی.

۹- در هر صورت بنظر ما ضروری است از همین امروز صف مطالبات و اعتراضات کارگری، زنان، جوانان و آزادیخواهان و سوسیالیستها و کمونیستها از کلیه جنبشهای دیگر دست راست، اعم از ملی و اسلامی، باید راه خود را جدا کند. قطب راست (ملی- اسلامی ها، ناسیونالیست ها و فدرالیست چپ ها، و شوینیستهای عظمت طلب فارس، ولو برای پروسه سرنگونی رژیم هم بوده، بیش از پیش بهم نزدیکتر میشوند، و شده اند.

۲- ضمن حمایت، همراهی، هدایت و حضور فعال در هر حرکت اعتراضی آزادیخواهانه، موظفیم که اقدامات و شعارهای که به نفع جامعه، کارگران، و آینده بعد از جمهوری اسلامی نیستند نه تنها نباید حمایت کرد، برعکس اشتباه آمیز بودن آنها با صراحت باید به عاملین آنها گوشزد کرد. برخی از شعارهای "مردمی" این دوره سر تاپا ارتجاعی، ضد کارگری و ضد آزادیخواهی هستند.

۳- علیه نقش مخرب و مودیانه ترامپ و دولت او و متحدینش در منطقه، و همچنین جریانات اپوزسیون شونیست فارس، ناسیونالیستهای قوم پرست و کل طرفداران ملی- اسلامی و طرح های آنها باید اکنون افشاگری جدی نمود و از مردم خواست که چرا دنبال آنها نباید رفت. سناریوی اینها یک سناریو ضد انقلابی است! هدف و نقش بخشی از این نیروها میتواند حتی همراه با مخاطره جدی تحمیل جنگ داخلی و سناریو سیاه نیز باشد.

۴- شکی نیست جمهوری اسلامی را باید سرنگون کرد، اما ملزومات سرنگونی جنبش ما با امثال رضا پهلویها و بنی صدریها و ملی اسلامی ها و رجوی ها و دولتهای غربی به اندازه فاصله خود ما با جمهوری اسلامی است! از اینرو ما باید راسا ملزومات پیشروی و پیروزی را تعریف کنیم و به اطلاع معترضین و جامعه برسانیم و هم از نظر عملی نیز باید تک تک این ملزومات پیروزی بر رژیم و استقرار یک نظام شایسته انسان را شناخت و سازمان داد. بدون داشتن نقشه و افق روشن و مستقل سوسیالیستی خود، صرف فراخوان دادن به تظاهرات و فرستادن "مردم" به ناکجا آباد نمی تواند کار نتیجه بخشی باشد. از نظر من جنبش ما هنوز ملزومات ضروری و واقعی پیروزی را نساخته است! و این بزرگترین خطری است که در مقابل جامعه تشنه آزادی و برابری و طبقه کارگر ایران قرار گرفته است که باید بدون درنگ آنرا شناخت و رفع نمود.

۵- طبقه کارگر و نیروی چپ و سوسیالیست جامعه موظف است ضمن خواهان برچیده شدن کلیه نیروهای مسلح و حرفه ای دولتی باید همین امروز برای سازماندهی نیروی مسلح توده ای و انقلابی خود فکر کند. بی توجهی به این امر مبرم به استقبال شکست رفتن است! ایجاد این توهم که گویا رژیم اسلامی را با دست خالی و با اعتراض صرف میتوان نابود کرد و گویا میتوان آزادی و برابری و خوشبختی در ایران مملو از احزاب و جریانات و نیروهای مسلح اسلامی و قومی پرست و فاشیست را بدون برخورداری از پتانسل نظامی جنبش خود میتوان تامین کرد، فقط میتوانم بگویم این توهم خدمتی است به همین بورژواها و جریانات دست راستی و ضد کارگری و ضد کمونیستی. بزرگترین توهمی است که چپ و کارگر می تواند داشته باشد. ما یک بار دیگر از همه کارگران و مبارزین میخواهیم در تدارک مسلح کردن خود بوده، با ما تماس بگیرند و برای مواقع ضروری بطور هماهنگ و در صورتی که به مبارزات توده ای آسیب نرساند باید وارد عمل مسلحانه نیز شد.

زنده باد اتحاد و همبستگی طبقاتی کارگران!

ما فقط برای یک پیروزی سوسیالیستی...



پیرامون موارد فوق، در صورتی که بیشتر نیروهای چپ، کارگری و سوسیالیست به آنها توافق داشته و متعهد باشند، میتوانیم ضمن اینکه مانع تکرار سناریو سال ۵۷ بشویم، مسیر سرنگونی جمهوری اسلامی را با اتکا به ابزارهای انقلابی هموارتر کرد. و همچنین در تعیین نوع نظام حکومتی بعد از جمهوری اسلامی نیز بیش از پیش قادر خواهیم بود سیاست و اراده طبقه کارگر و صف آزادی و برابری را اعمال نماییم.

کارگران، زنان، جوانان، مردم مبارز و تشنه آزادی و برابری!

برای رسیدن به اهداف خود به صف کارگران و سوسیالیستها، و به حزب سوسیالیست انقلابی ایران بپیوندید! این حزب حزب شما است! حزب سوسیالیست انقلابی را به جامعه معرفی کنید و در حمایت از آن در شکل محافل و دستجات مختلف خود را سازمان بدهید، خود را با رهبری حزب هماهنگ کنید، و بطور منظم با ما در تماس باشید.

ملی اسلامی ها، نه قومی نه مذهبی، نه نه شیخ، نه نه شاه نه اسلام مجاهدینی، نه سیستم رعیت پروری، فدرالیست چی ها زنده باد! زنده باد سوسیالیسم! پادشاهی، مرگ به جمهوری اسلامی آزادی، برابری، حکومت کارگری!

جمعی از کارگران نیشکر هفت تپه

فراخوان به تجمع

فریاد بز نیم : نان کار آزادی

مردم ایران سلام

بدین وسیله ما کارگران شرکت نیشکر هفت تپه حمایت خود را از اعتراضات سراسری در اکثر شهر های ایران را اعلام می کنیم و معتقدیم مردم ایران جامعه ی معترضی است و امروز صدای اعتراض از تمام نقاط این سرزمین به گوش می رسد و دادخواهی می کنند و مسئولین نظام بجای اینکه شنودی صدای دردناک فقر و بیکاری و گرسنگی ملت شریف ایران باشند به روال گذشته بار دیگر همان مکانیزم تکراری برخورد با معترضین دردمند را در پیش گرفته اند بدین گونه که نیروهای امنیتی و بسیج با عصبانی کردن مردم معترض را وادار به واکنش فیزیکی و تبدیل اعتراضات به صحنه ی خشونت می نماید سپس صدا و سیمای خود فروخته وارد معرکه شده و فقط صحنه های خشونت مردم را به تصویر می کشاند تا مردم معترض را اغتشاشگر معرفی کرده تا برای دستگیری و به بند کردن معترضین بکار خود شریعت بدهند.

مردم ایران هوشیار باشید و فریب بازی کثیف صدا و سیمای میلی و نیروهای امنیتی را نخوریم و صبورانه و بدون خشونت فریاد بر آریم که دیگر خسته ایم از این همه بی عدالتی و تبعیض... لذا ما جامعه ی کارگران شرکت نیشکر هفت تپه با توجه به حق اعتراض و اعتصاب که در اصل ۲۷ قانون اساسی نیز آمده است و ادعای مسئولین نظام مبنی بر عدم مخالفت تظاهرات مسالمت آمیز ، از تمام اصناف و سندیکاها و جوامع کارگری کشور دعوت بعمل می آوریم تا در روز یکشنبه ۱۷ دی ماه ۹۶ از ساعت ۱۶ به خیابان ها آمده و در تظاهرات و راهپیمایی اعتراضی شرکت نموده و بدون خشونت اعتراض خود را به بی عدالتی و حق خوری های گسترده در کشور ایران ، فریاد بز نیم، نان کار آزادیروز یکشنبه همه می آیییم محل ، تاریخ ۱۷ دیماه جمعی از فعالین کارگری شرکت نیشکر هفت تپه

جمعه ۱۵ دی ماه ۹۶

و ما نیز، جنبش کارگری و سوسیالیستی، جنبش آزادی زن و جوانان انقلابی و صف آزادیخواهان و کمونیستها و کل نیروهای که خود را در این قطب تعریف میکنند، در سطح کلی، باید بیش از پیش در این مقطع به هم نزدیکتر شوند، و با طیف راست آشکارا راه خود را جدا نموده و مقابله نمایند. اساس خط سیاسی، جنبش مطالباتی و آلترناتیو حکومتی و همچنین شکل سرنگونی رژیم اسلامی ما همواره جدا بوده و باید جدا باقی بماند. این امر به نفع جنبش ما و به نفع بشریت آزادیخواه در ایران و منطقه و به نفع پیروزی واقعی جنبش سرکوب شدگان تاریخ دست رژیمهای جنایتکار سلطنتی و اسلامی خواهد بود!

۱۰- هر شکلی از تن دادن به مفاهیم معنی دار و فریبنده و ضد حقیقت چون "همه باهم بودن"، "جنبش همگانی" انقلاب مردمی" "انقلاب ملی" بی درنگ مانند گلوله ای خواهد بود که مستقیماً به سینه جنبش طبقاتی کارگران و صف آزادیخواهان و کمونیستها فرود خواهد آمد. ما فقط یک جنبش و یک صف داریم: جنبش سوسیالیستی و صف طبقه کارگر و زنان و جوانان آزادیخواه، صف طرفداران آزادی، برابری، رفاه ، امنیت، صف مدافعین پایان دادن به استثمار و استبداد و نظام سرمایه داری، صف مدافعین جدی نابود کردن کلیت حاکمیت اسلامی و نقش اسلام سیاسی در ایران و منطقه ، و بالاخره صف انسانهای آزاده ای که اجازه نمی دهند یکبار دیگر نظامی که بر مبنای دین و ناسیونالیسم و شوینیسم و فدرالیسم و نابرابری و تبعیض و خرافه پرستی و آلت دست این و آن دولت، در ایران بر پا گردد!

۱۱- طبقه کارگر ایران به عنوان یک طبقه تعیین کننده در جامعه و تحولات پیشرو، نه به مثابه احاد معترض در خیابانها، اگر بخواهد تحولات این دوره یا تداوم انرا و یا هر سطحی از پیروزی را به نفع جامعه و خود تمام کند نمیتواند در قامت یک طبقه متحد و متشکل، متفاوت از "جنبش جوانان در خیابان" ظاهر نگردد. باید یک گام جلو تر رفت. کارگران و جنبش ما موظف هستند بنا به خصوصیات پایه ای جنبش مبارزاتی خود در مبارزات مهر خود را بکوبند، به ویژه وقتی به پدیده سرنگونی یک نظام سرمایه داری و مستبد می رسیم باید در فکر شروع اعتصابات سراسری بود، و بدین وسیله رهبری اعتراضات را بدست گرفت، بدون این تلاش و شکل اعتراض بنظر من قبل از هر کسی خود جنبش طبقاتی ما آسیب میبیند و در میان هیاهوی جنبشهای دیگر نقش و موقعیتش نادیده گرفته میشود. پیروزی آزادی انسان بدون حضور متشکل و نقشه مند پیام آوران واقعی آزادی در ایران، یعنی طبقه کارگر ممکن نیست، من توصیه ماجرا جوئی را ندارم! اما اگر طبقه ما هنوز این آمادگی را ندارند، هنوز مستحکمتر و با تجربه تر از سال ۵۷ نمی توانیم قد علم کنیم طرفداران آزادی و برابری و حکومت کارگری به من بگویند سرنگونی(هر چند "شیرین" باشد) را برای چه چیز دیگری میخواهند!؟

برقرار باد جمهوری سوسیالیستی!

آنچه ایران را لرزاند!

عزیز آجیکند



فقرو تنگدستی و بیکاری و هزاران معضل اجتماعی دیگر که در سایه لطف این عالیجنابان در ایران زندگی را بر کام هر کارگر و کارکن و زحمتکشی تلخ کرده است در پدیداری زلزله سیاسی حاضر در ایران بی نقش نبوده است و خواهد بود. دزدی و فساد کلان اداری و نبود افقی روشن در برابر

زندگی هر ایرانی و دها و صدها بی لیاقتی سران رژیم جمهوری اسلامی به خودآگاهی مردم ایران از دامنه این فساد و زدبیاها و ناکارآمدیها در درون قدرت جمهوری اسلامی ایران کمک کرد و به مردم ایران فهماند که در برابر رژیم حاکم باید ایستاد و مبارزه کرد و آنرا سرنگون و به این فلاکت پایانی بخشید.

روز ۸ دی ماه مردم کرمانشاه، شیراز، خرمشهر و خرمآباد به خیابان آمدند و به فقر و گرانی و بی حقوقی و فساد و بی عدالتی اعتراض کردند. معترضان در تهران با تظاهرات در خیابان انقلاب، خیابان کارگر شمالی، چهارراه ولیعصر، و نواحی مختلف پایتخت به خیابان ها رفته و با سردادن شعارهایی همچون "مرگ بر دیکتاتور"، "مرگ بر خامنه ای"، "نترسید، نترسید، ما همه با هم هستیم"، "ای جوان ایرانی به پا خیز، به پا خیز"، "جمهوری اسلامی، سرنگون، سرنگون"، "حکومت آخوندی، سرنگون، سرنگون"، "آزادی، عدالت، این است شعار ملت"، علیه جمهوری اسلامی اعتراض کردند. نیروهای امنیتی و گارد ویژه به معترضان حمله کردند که با مقاومت مردم معترض روبرو شدند.

صبح روز جمعه نوبت به خیابانهای شهرهای تهران، اصفهان، شیراز، کرمانشاه، رشت، قم، قزوین، مشهد، قائم شهر، خرم آباد، همدان، ساری، سبزوار، زاهدان، اهواز، بیرجند، قوچان و میاندوآب و برخی دیگر از شهرهای دیگر ایران رسید و این بار مردم یکصدا کلیت نظام جمهوری اسلامی را به لرزه در آوردند و مات کردند.

اما آنچه که در روزهای پنجشنبه و جمعه یعنی در دو روز اول شاهدش بودیم، رویدادهای ابتدا به ساکنی نبودند. از چند ماه پیش پیشروان جنبشهای اجتماعی و سران رژیم نیز وقوع چنین حرکاتی را پیش بینی کرده بودند. حرکات و اعتراضات ماههای اخیر گر چه به گستردگی اعتراضات اخیر نبودند اما در همان حد نیز نشان می دادند که توازن قوای بین مردم معترض و رژیم، به نفع جبهه مردم تغییر کرده است. این واقعیت را میشد در گسترش اعتراضات و مبارزات در مراکز مهم کارگری، دربرپاشدن تظاهرات گسترده خیابانی در شهرهای مختلف بر علیه گرانی، در رادیکال شدن شعارهای جنبش دانشجویی، در رشد جنبش اعتراضی و توده ای در کردستان در اعتراض به کوشتن کولبران زحمتکش نوار مرزی، و نیز در عکس العمل رژیم مشاهده کرد.

همین اهداف هم پیش تاخت و نظام ولایت را به لرزه در آورد و کل مقامات ریزودرشت جمهوری اسلامی از جمله شخص رهبر را کیش و مات کرد.

بر بستر این حرکت اعتراضی که از محلات فقیر نشین شروع شد و جوانان در صف اول آن متاسفان شاهد پاره ای شعار دست راستی نیز بودیم که با زمینه و عله شروع اعتراضات سنخیت نداشت.

در یک کلام حرکت آغاز شده در همان اوایل بذرو زمینه ای نیرومند برای روبیدن رژیم پوسیده جمهوری اسلامی را با خود به همراه داشت و نوید بخش یک حرکت کاملاً زنده مردمی از قشر محرومان جامعه و با ایده چپ به سمت تنها بدیل وحدت و نجات بخش محرومان جامعه بود که همان سوسیالیسم نام دارد. اما مانند همه اعتراضات دیگر توده های زحمتکش بدون برنامه و هژمونی و حزب سوسیالیستی خود با وجود همه حقانیت که داریم جنبشها و احزاب و دولتهای دیگر آنرا میتوانند مصادره نمایند.

بعزاز این جرقه مهم در شهر مشهد، شهرهای دیگر ایران در روزهای هشتم و نهم و دهم تا این لحظه هم صحنه های پر شور اعتراضات و تظاهرات سراسری از قشر محرومان جامعه علیه گرانی، فقر و بیکاری، فساد و بی عدالتی و سرکوب بود.

روز پنجشنبه هفتم دیماه "۲۸ دسامبر" خیابانهای شهر مشهد با صدای "مرگ بر دیکتاتور"، "مرگ بر روحانی"، نه به "گرانی و فساد" از خواب بیدار شد. در این روز جمع زیادی از مردم این شهر در اعتراض به گرانی و بیکاری فقر و فلاکت روزمره به سمت شهرداری این شهر به راه افتادند. این حرکت اعتراضی مردم در شهر مشهد چاشنی خورد و در ابعاد بیسابقه ای شهرهای دیگر ایران را در نوردید و گسترش و ادامه یافت.

معارضین به پا خواسته در شهر مشهد را اکثر جوانان و فعالین زن و مرد از طبقه کارگر و مردم زحمتکش تشکیل میدادند و پیشتاز این حرکت اعتراضی بودند. شعارهای داده شده از طرف معترضین به سرعت تکامل یافت و در گام اول شخص علی خامنه ای را نشانه رفت و بعد در فاصله کوتاهی کلیت نظام سرکوبگر جمهوری اسلامی را خطاب قرار داد.

نان، کار، آزادی، نترسید، نترسید ما همه باهم هستیم، مرگ بر دیکتاتور، مرگ بر روحانی، خامنه ای قاتله ولایتش باطله، از جمله شعارهایی بودند که از همان لحضات اول تکلیف خود را با نظام سرکوبگر جمهوری اسلامی یکسره کرد و در جبهه دیگر قرار گرفت و آرزوی سرنگونی بود و با

آنچه که ایران را...

معترضان در تهران خودروی پلیس را به آتش کشیدند.

همزمان معترضان در دیگر شهرها از جمله کرج، گوهردشت، اصفهان، آبادان، شیراز، تبریز، شهر قهدریجان، بهشهر، رشت، لاهیجان، ماهشهر، اردبیل، زنجان، دزفول، شادگان، یزد، نورآباد، ممسنی، بیرجند، اهواز، دهلران، خمینی شهر، کنگاور، تاکستان، ایذه، کرمانشاه، سنندج، قزوین، یزد، گرگان، ایلام، کاشان، نهاوند، اسدآباد، خرم آباد، همدان، رباط کریم، پرنده، پردیس، درود و... به خیابانها رفته و با سردادن شعارهای سراسری همچون، "مرگ بر خامنه ای"، "مرگ بر دیکتاتور"، "بریز بیرون هموطن، حقت رو فریاد بزن، "بجنگ تا بجنگیم، ما بچه های جنگیم"، "ما فتنه گر نیستیم، ما مردم به جان آمده ایران هستیم"، "لیسانسه ها بیکارند، آخوند اُرس کارند"، "زندانی سیاسی آزاد باید گردد"، "توپ، تانک، مسلسل، دیگر اثر ندارد"، "مرگ بر بیکاری"، "تا حقم رو نگیرم، هر شب همین بساطه"، بار دیگر علیه کلیت جمهوری اسلامی اعتراض کردند و خواهان سرنگونی این رژیم شدند. در شهر ممسنی استان فارس، جوانان، خیابانها را به دست گرفته و برای مقابله با گاز اشک آور و یورش ماموران سرکوبگر، آتش روشن کردند. درسندج نیروهای امنیتی و ضد شورش رژیم با حمله شدید و وحشیانه به معترضان در خیابان ششم بهمن به شدت با آنان درگیر شدند.

در دیگر نقاط ایران ماموران مسلح رژیم در دیگر شهرهای ایران نیز با استفاده از گاز اشک آور، باتوم، ماشین آب پاش به معترضان حمله کرده و با آنان درگیر شدند. در کرج شهروندان معترض اقدام به آتش زدن دادگستری این شهر نمودند.

در شماری از شهرها ماموران رژیم به سوی معترضان تیراندازی کردند. جمهوری اسلامی که از گسترش این اعتراضات به شدت ترسیده بود، فضای تمامی شهرها را به شدت امنیتی و میلیتاریزه کرد. با وجود تهدیدات مقامات رژیم از جمله روحانی جنایتکار و ایجاد محدودیت های گسترده و سرکوب شدید معترضان، تظاهرات اعتراضی علیه جمهوری اسلامی به سرعت در تعداد بیشتری از شهرهای ایران گسترش پیدا کرد.

در اکثریت شهرها نیروهای سرکوب از ترس حضور مردم میدانها را قرق کرده اند و در شهرهای دیگری مردم فراخوان تجمع دادند. در کرمانشاه مردم شعار مرگ بر دیکتاتور، مرگ بر روحانی، زندانی سیاسی آزاد باید گردد، یا مرگ یا آزادی سر دادند و علیه حکومت اسلامی و سیاست های ارتجاعی اش اعتراض کردند. تظاهرات کنندگان عکس خامنه ای را آتش زدند. نیروهای سرکوب و وحشیانه به مردم حمله کردند و بدین شیوه روزهای دیگر هم در ادامه اعتراضات در خیابان رقم خورد و شبها ی ایران را نیز تحت شعاع نه به "جمهوری اسلامی" قرار داد.

برغم افزایش تهدیدات رژیم و سرکوب گسترده، در ادامه ایران دوباره صحنه اعتراضات و تظاهرات سراسری علیه جمهوری اسلامی شد.

معترضان در تهران بار دیگر با سردادن شعارهایی همچون "مرگ بر دیکتاتور"، "مرگ بر خامنه ای"، "نترسید، نترسید، ما همه با هم هستیم"، "بمیریم هم عقب نمی کشیم" علیه جمهوری اسلامی اعتراض کرده و خواستار سرنگونی حکومت شدند.

همزمان نیروهای امنیتی رژیم به شدت مقابل دانشگاه تهران را امنیتی کرده اند. همزمان جمعیت کثیری از معترضان در دیگر شهرهای ایران از جمله اصفهان، ساری، فولاد شهر، کرج، شیراز، آبادان، اهواز، مشهد، رشت، مسجد سلیمان، کاشان، ماهشهر، ایذه، بوشهر، ایلام، تویسرکان و شماری دیگر از شهرهای کشور به خیابان ها رفته و خواستار سرنگونی جمهوری اسلامی شدند. در جریان ششمین روز از این اعتراضات، نیروهای امنیتی رژیم به طرز خشن تری به معترضان حمله و به روی آنان آتش گشودند. معترضان در شماری از شهرها به نهادهای دولتی از جمله دادستانی و فرمانداری حمله کرده و آنها را به آتش کشیدند. جمهوری اسلامی فضای اکثر شهرها را امنیتی کرده و نیروهایش را به شهرها گسیل کرده است. در شهر مریوان نیروهای جمهوری اسلامی به روی مردم معترض آتش گشوده اند. در دیگر شهرهای کردستان نیروهای امنیتی رژیم به شدت فضای شهرها از جمله سنندج را میلیتاریزه کرده اند.

روز به روز شعارها رنگ و بوی سیاسی به خود گرفتند و ایران را در برابر یک تاریخ دیگر و سرنوشت دیگر قرار دادند. اما این تاریخ نباید تکرار تاریخ سال ۵۷ باشد، و برای ممانعت از تکرار آن از همین امروز باید صف و شعارهای آزادیخواهانه خود از شعار و

صف شعارهای اسلامی، ملی گرای، و حمایت از ارتجاع شاهنشاهی و دیگر نیروهای ملی مذهبی جدا نمود و به سنت و صف و پرچم خود یعنی سوسیالیسم و آزادی و برابری محکم چسبید!



بنا بر آماری که در رسانه های داخل ایران در مورد جانباختگان این رویدادها اعلام شده، به بیش از ۲۷ تن میرسد. در همین حال سازمان حقوق بشر ایران رو سه شنبه ۱۲ دیماه شمار کشته شدگان در شهرهای مختلف را ۲۴ نفر عنوان کرد. وزیر آموزش و پرورش رژیم از کشته شدن دو دانش آموز در اعتراضات روزهای اخیر خبر داد.

بر اساس گزارش های منتشر شده، در اعتراضات اخیر در ایران یک دانش آموز در درود استان لرستان و یک دانش آموز نیز در خمینی شهر اصفهان جانباختند. تنها در دوشنبه شب، دستکم ۹ نفر جان خود را در جریان ناآرامی ها از دست دادند که همگی از استان اصفهان بودند. نیروهای امنیتی و یگان ویژه رژیم در شهرهای ایران به طرز دمنشانه ای به معترضان حمله کرده و به سوی آنان تیراندازی کردند.

نه قومی، نه مذهبی، زنده باد هویت انسانی!

اسلام و تسلیم نقطه مقابل آزادیند (قرآن ربا زبان مادری بخوانیم)

سهراب کرمانشانی



ملائی فرزندش را نزد دکتر برد و گفت:
فرزندم چند روزه که لب به خوراک نروده و بسیار
ضعیف شده.
چه باید کرد؟
دکتر لبخندی زد و گفت:
عمامه ات را بر سرش بگذار
دنیا را خواهد خورد!!

سوره بقره (آیه ۳۰): ".. بیادار آنگاه که پروردگارتو به ملائکه فرمودمن در زمین خلیفه بر گمارم ملائکه گفتند پروردگارمبخواهی کسانی رایگماری که فساد کنند در زمین و خونها بریزند و حال آنکه ما خود تو را تسبیح و تقدیس میکنیم. خداوند فرمود من میدانم چیزی که شما نمیدانید..."

آیه قبلی (۲۹) که پراز دروغ و نیرنگ بود زمین را مسطح خواندپس از خلقت آن آسمان و هفت آسمان دیگر را بنانهادم اکنون به شیوایی دیگر میخواهد به بشر چیزی را تحمیل کندکه در خواب آنرا دیده و نه در بیداری و در عالم تخیل برای انسان قابل پذیرش است مخاطب نیروی برتر انسان است و به او میگوید "بیادآور که پروردگار توبه ملائکه چنین فرمود

و فرشتگان دربار خود را در جریان خلقت آدم و هوا قرار داد". اگر نیروی فوق هستی خودمیداند چکار کند دیگر چه نیازی به مشورت با ملائکه است. پس نتیجه میگیریم که تمامی این داستانسرابیها جهت حکومت فرد بر افراد بوده و هیچگونه نوشته و کتابی از آسمان به زمین نازل نشده و ادیان آسمانی بزرگترین دروغ تاریخند.

(آیه ۳۱): ".. و خدای عالم همه اسماء را به آدم تعلیم فرمود آنگاه حقایق آن اسماء را در نظر فرشتگان پدید آورد و فرمود خبر دهید مرا به اسماء اینان اگر راست میگویید..."

آیه سی و یک میخواهد بشر را به اعماق تخیل خود برده و تفکر او را تسخیر کند تا مجالی برای احقاق حق خود که همانا زندگی روبه پیشرفت است رانداشته باشد در اینجا مترجم قرآن کریم مهدی الهی قمشه ای است و هنوز درک واقعی خدا را نمی فهمد خدا از خود آگاهی آمده یعنی به خود آمدن، بهتر بود که در اینجا نام الله یا (رب) را مینوشت که بر از نده همان مردم صدر اسلام بودند..."

(آیه ۳۲): ".. فرشتگان عرضه داشتند ایزدا تو پاک و منزهی مانی دانیم چیزی جز آنچه تو خود به ما تعلیم فرمودی تویی دانو حکیم..."

آیه ۳۱ و ۳۲ به نحوی نیروی برتری فرشتگان را در دفاع از انسان به مبارزه اندیشه و توان فیزیکی دعوت میکند که در اینجا موجودات تخیلی فضایی کم آورده اند و طلب پوزش از نیروی مافوق خود را دارند!. به حق چیزهای ندیده و نشنیده!!

(آیه ۳۳): ".. خداوند فرمود ای آدم ملائکه را بحقایق این اسماء آگاه ساز پس چون آدم ملائکه را بدان آگاه ساخت خدا به ملائکه فرمودنگفتم به شما من میدانم هر آنچه را که آشکار و پنهان دارید..."

در اینجا نویسنده کتاب میخواهد که انسان احساس بالندگی داشته باشد تا اینکه خود را حقیر و کوچک نداند. ولی چیزی که برابم قابل فهم نیست مشورت نیروی برتر و التماس او از فرشتگان خود است و به اینصورت و انمود میکند که اینان در یک شرکت سهامی مشغول بکارند و مدیر و هیئت مدیره دارد!!

(آیه ۳۴): ".. و چون گفتیم فرشتگان را که سجده کنید بر آدم همه سجده کردند مگر شیطان که ابا و تکبر کرد و از فرقه کافران گردید..."

این بار نوبت دشمن فرضی است. اهریمنی ساختگی که در خواب هم یک بار او را زیارت نکرده ایم و او را از هم کیشان من میخوانند اینگونه نتیجه میگیریم که تواناییها و ارزشها از آن الله است و ناتوانیها و نقصها از آن ابلیس نیروی تخیلی و جادویی که اگر من مرتکب اشتباه یا گناه شدم مقصر اصلی رخنه کردن فرشته رانده شده از سوی نیروی مافوق است. و اگر خدمتی بارزش نمودم از آن ربناست، پس نقش کلیدی انسان نادیده گرفته میشود عجب رحمان و عجب رحیمی!!

آنچه که ایران را ...

اما همچنانکه بر همگان روشن است حاکمیت تحت رهبری مستقیم خامنه ای همچون خصلت همیشگی خود ابایی از راه انداختن حمام خون ندارد و در چنین جهتی هم به حرکت در آمد و دست به کشتار زد و خون جوانان را ریخت و خیابان را با خون سرخشان سرخ رنگ کرد. سرعت قیام کنندگان اما بر تصمیمات پوسیده اینان پیشی گرفت و ترسی به خود راه نداد. مردم هنوز که هنوز است، در خیابان ماندگار شدند و با امید بر حرکت آغاز شده خود می نگارند و به آینده خوشبین هستند. اعتراضات ادامه دارد. همه نشانه ها و ادامه اعتراضات و عملکرد جوانان و زنان انقلابی که بدون شک در این اعتراضات حضور چشمگیر دارند، در صورت پیشروی درست آن ورود جامعه ایران به یک انقلاب تمام عیار زنده و واقعی را رقم میزند. این حرکت بند نافش را از کلیه جناحهای حاکمیت کنده است اما باید برای پیروزی نهایی بند نافش از کلیه اپوزسیون ملی و اسلامی نیز بکند. شهرهای زیادی را با خود آورده است. اما ضروری است اکثریت توده های مبارز و زحمتکش را با خود بیاورد.

در این میان و در جریان اعتراضات سراسری علیه حکومت دستکم بیش از یک هزار نفر بازداشت و روانه زندان شده اند. معاون فرمانداری تهران روز سه شنبه ۱۲ دیماه، از بازداشت ۴۵۰ نفر در تهران خبر داد. در همین ارتباط، وزیر علوم رژیم، از «آمار دقیق» دانشجویان بازداشتی در جریان این اعتراضات ابراز بی اطلاعی کرد. معاون دادستان مشهد از دستگیری ۱۳۸ نفر در تجمع های روزهای اخیر مشهد خبر داد. در شادگان نیز دهها نفر در تظاهرات روز یکشنبه بازداشت شدند. در روز نخست فراخوان اعتراضات سراسری در تیریز دستکم ۹۰ نفر بازداشت شده اند. دادستان کرج نیز اعلام کرد ۲۰ تن از رهبران این اعتراضات دستگیر شده اند. همچنین گزارش شده که این بازداشت شدگان از بازداشتگاه نیروی انتظامی به زندان سپاه منتقل شده اند.

اکثریت مردم ایران، یک زندگی آزاد، انسانی، برابر و امن می خواهند، رفاه و عدالت عمومی می خواهند. بدون تردید جنبش اعتراضی جاری فرصتی است که فعالین رادیکال و سوسیالیست اعم از زنان و مردان انقلابی با مطالبات و افق رهائی واقعی خویش به میدان بیایند. امروز وظیفه مبارزین واقعی و کمونیست هاست که پتانسیل انقلابی و مبارزه جویانه مردم آزادیخواه و معترض به وضع موجود را سازمان دهند و بکار اندازند و در مسیر درست آنرا پیش ببرند. امروز زمانی است که برای پیروزی باید متحد شد و متحدانه تحت سیاست و شعار و اهداف انقلابی و سوسیالیستی به میدان آمد و مسیر پیروزی را هموارتر نمود. پیوستن به حزب سوسیالیست انقلابی ایران یک گام مهم در این جهت است!

دست مذهب از زندگی مردم کوتاه!

اسلام و تسلیم ...

(آیه ۳۵): "... وگفتم که ای آدم تو با جفت خود در بهشت رایگان و بی زحمت جای گزینید و بخورید از اطعمه بهشت از هر چه میخواهید و نزدیک نشوید به این درخت (گندم یاسیب) که (اگر نزدیک این درخت شوید) از جمله ستمکاران خواهید بود..."

توجیه و بهانه های الله بی حدومرز و تنبیهاتش در هفت آسمان نظیرش را ندیده ایم این همه بخشش در مقابل یک خطای کوچک و ناچیز نسل بشر را در روی زمین به بیرحمته ترین شیوه شکنجه و آزار روح و جسمی میرساند، قصه کم کم داره جالب میشه!!

(آیه ۳): "... پس شیطان آدم و حوا را به لغزش افکند و خوردند از آن درخت و بدین عصیان هر دو از آن بیرون گردیدیم به آدم و حوا فرود آید از بهشت که برخی از شما برخی را دشمنید و شما را در زمین آرامگاه و آسایش خواهد بود تا روز مرگ..."

اگر الله شماینبهه آگاه توانا عادل و مهربان است چرا گذاشت شیطان انسان را به لغزش و ادا در؟ در ثانی مگر خوردن سیب یا گندم آنهم از نوع درخت چه تاثیر بدی در آدم و حوا میگذارد؟ چرا پس از آن بشر را ارشاد نکردید حال میگویند زمین آرامگاه و آسایش انسانهاست. زمینی که در اثر بلایای طبیعی فقر و گرسنگی سرما و گرما بیماریهای کشنده روزانه هزاران نفر را به کام مرگ میکشاند، روشنفکران دینی اصولگرایان و اعتدالگرایان دینی روزی باید پاسخگوی انحرافات و ادرسهای اشتباه امیز و غلط دینی به مردم و از جمله فرزندان خود شوند. آیا وقت آن نرسیده که بدون وضو و شهادت و بدون شک و تردید صفحات این کتاب را کنکاش و آنرا مورد نقد و بررسی قرار دهیم؟ به امید پیروزی و چیره شدن توانایی بر ناتوانی و حاکمیت تعقل بر احساسات غیر واقعی.

زنده باد کارگر، نابود باد حاکمیت دینی، زنده باد حزب سوسیالیست انقلابی ایران!

اصلاح طلبی مرد، زنده باد آزادی، مرگ بر جمهوری اسلامی!

مونا درخشانی

در اعتراضات و تظاهراتهای اخیر در ایران، تنها جریانی که نامی از سر برده نشد و بر سر زبانها نیامد، اصلاح طلبان حکومتی بودند. جریانی که با همه دارو دسته اش یا به حاشیه رانده شد و یا فوراً با جریان خامنه ای متحد و هم پیاله شد و ماهیت واقعی اش بر همگان روشن گردید. مردم معترض در این اعتراضات آنها را همچون اصولگرایان حکومتی بایکوت و مرگ برایشان فرستادند. مقامات و کاراکتر هایش را دیکتاتور خواندند و در جبهه دشمنان خود حسابشان کردند.

واقعیت این است که اصلاحات در ایران هیچگاه دارای پایگاه اجتماعی و قوی در بین توده های مردم نشد. این "جنبش" همیشه برای عطف نظام بسیار سخت تر از جناح اصولگرا عمل کرده است اما از راه و روش خود یعنی فریب و و نیرنگ و نرمش بیشتر تا کلیت نظام را از دست معترضین نجات دهد، از این نظر موفق هم عمل کرده است. این جریان در یک مقطع مشخص در درون نظام جمهوری اسلامی قد علم کرد و اهدافش صرفاً بیرون آوردن جمهوری اسلامی در بطن بحرانهای بود که در آن گیر کرده بود.

جنبش اصلاحات با تعریفی که از آن داریم هیچگاه نتوانست رابطه عاطفی مشخصی با قشر محرومان جامعه در ایران داشته باشد و با آن ارتباط برقرار کند. اصلاح طلبان همیشه کوشیده اند وفاداری خود را به بخش مسلط حکومت ثابت کنند و از طرفی دیگر می کوشند به دموکراسی خواهان بیرون از حکومت و رای دهندگان بگویند طالب "دموکراسی و حقوق بش" هستند. تا به حال این گروه نتوانسته اند نه اعتماد گروه اول را کاملاً جلب کنند و نه اعتماد گروه دوم را. این ریلکاری ریشه ای ساختاری دارد و تا به امروز نیز ادامه داشته است. شکست اینها از اینجا ناشی میگردد که جمهوری اسلامی اصلاح پذیر نیست! تا حرکت اصلاح طلبانه برایش راه انداخت.

اصلاح طلبان دولتی بارها گفته اند که ما نیروی برانداز نیستیم و برای حفظ نظام جمهوری اسلامی از هر تلاشی دریغ نخواهیم کرد. این جریان به فاصله سالها از فعالیت خود بارها وفاداری خود را به نظامشان ثابت کرده اند و در هر رویداد و اعتراضی که مشخصاً جمهوری اسلامی را خطاب قرار داده باشد با اصولگرایان حکومتی در یک جبهه و در یک سنگر قرار گرفته اند و مردم معترض به سیاستهای جمهوری اسلامی را سرکوب کرده اند.

یکی از شعارهای که مجد خاتمی هر بار به زبان می آورد و طرفداران چماق بدستش آنرا در هر مناسبتی بکار میبرند، زنده باد مخالفین من است. این شعار را بارها ما شنیده ایم و در چهارچوب همین شعارها بود که در دو مقطع مشخص و در فاصله زمانی محدود خاتمی و طرفدارانش آنرا به فراموشی می سپارند و همراه جناح دیگر اصولگرایان به جان مردم می شتابند و حمام خون راه می اندازند.

نخست در جریان جنبش شش روزه جریان کوی دانشگاه تهران، مجد خاتمی معترضین دانشجویان را ارازل و اوباش خطاب میکند و دستور سرکوب دانشجویان را می دهد و در چند روز گذشته نیز به دنبال اعتراضات اخیر و در انتشار بیانیه ای در قالب مجمع روحانیون مبارز از معترضین فاصله می گیرد و مردم ناراضی را " فرصت طلب و عوامل آشوبگر" نام می برد و جوانان را بار دیگر نیز با همان نام سال ۱۳۷۸ به عنوان آشوبگر بر سر زبان می آورد.

اصلاحات از ابتدا با نفاق و دو رویی روئید. کوشید حکومت را در دست گیرد و بر مسند قدرت بنشیند. برای کارگرو زحمتکش به میدان نیامده بود و قصد نداشت برایش کاری از پیش ببرد. آبادانی و کارو ریشه کن کردن فقر و فلاکت و سیاه روزی در دستور کارش نبود، بر عکس سیاست به مراتب ریاضت کشی اقتصادی بیشتری از جناح اصولگرایان نمایندگی کرده اند. امروز بعد از سالها اصلاح طلبان دگر بار حال چندان خوشی ندارند. شکست یکی پس از دیگری. با وجود پیروزیهایشان در انتخابات دوازدهم و حتی انتخابات برخی از شوراهای شهرو روستا عملاً به حاشیه رانده شدند یا حتی برکنارشان کردند و از دایره قدرت دور شدند.

روحانی چهره نامحبوب این جریان در ادامه روند کاری خود از حامیان خود به نوعی فاصله گرفت. پس از پیروزی در نمایش انتخابات رسماً از مجد خاتمی تشکر و قدردانی کرد و به خوبی از ایشان نام برد. اما در محدودیتهای اخیر و تهدیداتی که از طرف سپاه پاسداران نثار وی شد، نه تنها حاضر به دیدن ایشان نشد بلکه علناً هم نامی از ایشان در هیچ کجا نبرد و یادی هم از این رهبر شکست خورده خود نکرد.

روحانی دو رو تر از هر زمان دیگر آشکارا به سوی بازیگران اصلی حاضر در ساختار قدرت متمایل شده و علناً و آشکارا به سوی خامنه ای گام برداشته و در جهت پیش بردن سیاستهای این روباه پیر قدم بر میدارد. در این مدت کوتاه از تشکیل کابینه اش بعد از انتخابات ریاست جمهوری و شروع دولت دوازدهم، اعدامها را گسترش داده و سرکوبها را در دستور کابینه خود قرار داده است. نه باوری به دموکراسی دارد و نه باوری به اصلاحات و همفکرانش. هدف فقط حفظ نظام جمهوری اسلامی است. همان هدفی که در دوم خرداد سال ۱۳۷۶ از طرف رهبر اصلاحات جناب خاتمی پایه گذاری شد و آنها هم تا به امروزش رساندند.

باید جمهوری اسلامی را نابود کرد. و کلیه جناحهای آنرا در یک تابوت میگذاریم و در گورستان تاریخ ننگ بشریت دفن خواهیم کرد.

نه قومی نه مذهبی، آزادی برابری

از خیزش و قیام کارگران و زحمتکشان ایران حمایت می کنیم!

توده های کارگر و زحمتکش و مردم ستمدیده و زحمتکش ایران در اکثر شهرهای ایران علیه گرسنگی فقر و بیکاری و بیحقوقی که از جانب رژیم بورژوا اسلامی ایران به آنها تحمیل شده است، به خیابان ها آمده اند. مرکز خیزش و قیام توده ای از شهرهای بزرگ چون تهران و مشهد تبریز و کرمانشاه و سنندج ... و مراکز علمی چون دانشگاه تهران شروع و به سرعت ده ها شهر بزرگ و کوچک را در بر گرفته است.

شعار مردم در مدت کوتاهی راس حاکمیت رژیم اسلامی را نشانه گرفت و توده های مردم بپاخاسته می خواهد با رژیمی تسویه حساب کند که به ناحق از سال 79 به همکاری دول غربی بر انقلاب مردم ازادخواه سوار شد. رژیمی که نزدیک به 4 دهه است حاکمیت سیاهش را بر جامعه مدنی و مدرن ایران تحمیل کرده و ابتدایی ترین حقوق اقتصادی و سیاسی و مدنی و فرهنگی مردم را زیر پا نهاده است.

اکنون مردم انقلابی ایران بار دیگر تاریخ درخشانی را می نویسند که نه تنها ضربه محکمی به نفع کارگران و زحمتکشان و ازادخواهان و برابری طلبان ایران بر پیکر حاکمیت اسلامی سیاسی در ایران می زند؛ بلکه در سطح منطقه خاورمیانه پرو بال اسلام سیاسی را می چیند و توازن قوا را به نفع ازادخواهی و برابری طلبی تغییر می دهد.

بپا خاستن مردم ایران و قیام مردم برای سرنوینی جمهوری اسلامی به شیوه مستقیمی موجب شکوفایی جنبش های اجتماعی و انقلابی در کردستان و عراق می گردد.

حاکمیت اسلامی - شیعی عراق مستقیماً تحت فرمانروایی رژیم ایران است. نقش جمهوری اسلامی در کردستان کم تر از سراسر عراق نیست. حاکمان کردستان همیشه یک پایشان در این رژیم قرار دارد، در نتیجه سست شدن پایه های این رژیم و سرنوینی آن پشت نیروهای ارتجاعی را خالی می کند و روحیه انقلابی مردم را بالا می برد و اعتماد توده های کارگر و زحمتکش و ازادخواهی به نیروی خود برای ایجاد تغییر و خاتمه دادن به شرایط سیاسی و اقتصادی کنونی محکم، و نیرومند می کند.

خیزش کارگران و زحمتکشان و ازادخواهان ایران، وظیفه بسیار مهم و سرنوشت سازی را بر عهده ی کمونیست های ایران قرار داده است. جنبش انقلابی علیه گرسنگی و فقر و بیکاری و علیه حاکمیت اسلامی سرمایه به رهبری سیاسی نیاز دارد. عدم تامین این رهبری سیاسی قیام مردم را با مخاطرات جدی مواجه می کند. نباید اجازه داده شود که تجربه انقلاب 1979 تکرار شود. نباید اجازه داده شود، جناح و دسته ی دیگر بورژوازی بر موج مبارزه و انقلاب کارگران و زحمتکشان ایران سوار شده و تلاش و قربانیهایشان را هدر دهد. چون بلایی که 40 سال پیش به سر مردم ایران آمد و جامعه را برای چهار دهه به اسارت رژیم اسلامی در آورد.

باید همزمان با جارو زدن رژیم اسلامی، توده های سازمان یافته و مسلح در شوراهایشان، حاکمیت مستقیم و از پایین خود را بنیان نهند و به هیچ جریان و جناح بورژوازی اجازه ندهند انقلاب شان را به بیراهه کشانده و مصادره کنند.

ما کمونیست ها و توده های کارگر و زحمتکش کردستان که سال ها است علیه حاکمیت بورژوازی خودی و برای آزادی و رفاه و برابری تلاش می کنیم، و از طرف دیگر از جانب حاکمیت قومی و مذهبی و شونیست عراق که عملاً در خدمت منافع و سیاستهای جمهوری اسلامی ایران است، حقوق شهروندی از ما سلب شده است و تلاش می کنیم از شر این حاکمیت رها شویم، چشم امید به قیام و خیزش های توده های انقلابی ایران دوخته ایم. به نقش پیشروانه و رهبری کمونیست ها چشم دوخته ایم. پیروزی شما امید به پیروزی ما را تقویت و قدرتمند می کند. پیروزی شما پیروزی ما و مردم کردستان و عراق را نزدیک تر می کند. با تمام توان از شما حمایت می کنیم.

زنده باد قیام توده ای مردم ایران

سرنوین باد رژیم ارتجاعی اسلامی ایران

حزب کمونیست کارگری کردستان

4 ژانویه 2018

بیانیه تشکلهای مستقل کارگری پیرامون اعتراضات خیابانی مردم

آن هنگام که حکومتگران به بن بست رسیده باشند و هیچ راه حلی برای برون رفت از بحرانهایی که خود بدست خویش ساخته اند، نداشته باشند و مردم به تنگ آمده از ظلم و بیداد، دیگر حاضر نباشند همانند گذشته تن به ستم دهند، هنگام اعتراضات گسترده و زیر و رو کننده اجتماعی فرا میرسد.

چنین است که اینک، مردم به تنگ آمده از ستم و سرکوب و گرانی و فقر و بیکاری، از چهار روز پیش در ابعادی سراسری خیابانها را از آن خود کرده اند و در صفی متحد و یکپارچه خواستهای خود را برای پایان دادن به وضعیت جهانی موجود فریاد می کشند.

مطالباتی که امروزه زمینه ی راهپیمایی ها و تجمعات سراسری توده های زحمتکش مردم ایران را با محوریت اعتراض به گرانی و فقر و بیکاری فراهم کرده است، سالهاست از سوی کارگران، معلمان، دانشجویان، پرستاران و همه اقشار زحمتکش جامعه فریاد زده شده است و حکومتگران بدون هیچ توجهی به آنها مشغول چپاول و غارت ثروتهای اجتماعی بوده اند.

آن چیزی که امروز ما در خیابانهای شهرهای مختلف شاهد آنیم فوران خشم انباشته توده های مردم زحمتکش ایران از غارت و اختلاسهای میلیاردی بالاترین مقامات حکومتی و افراد و موسسه های مالی وابسته به حوزه قدرت در یک سو و فقر و سیه روزی میلیونی مردم در سوی دیگر، تا بیکاری میلیونی کارگران و جوانان، ضرب و شتم دستفروشان و کشتار کولبران، تحمیل دستمزدهای چندین برابر زیر خط فقر به کارگران و مزد بگیران زحمتکش و بر پائی بساط شلاق و زندان و دار و درفش علیه هرگونه حق طلبی و ازادخواهی است.



نقش زنان مبارز و شجاع در اعتراضات

تینا خلیفه ای



اعتراضات سراسری و شورش همگانی علیه فقر و گرانی و فساد و استبداد اسلامی و واکنش شجاعانه ی مردم معترض در برابر نیروهای امنیتی جمهوری اسلامی، و ویدیو هایی که از معترضان پخش شده گویایی نقش پرنگ زنان است. زنانی که با تمام زنانگی و آتش سرکوب شده ی درونشان جلوی گاردهای ویژه شعارهای ضد حاکمیت اسلامی سر میدهند و پا به پای مردان در برابر گلوله و گاز اشکاور و ماشین اب پاش می ایستند و خواهان آزادی و برابریند.

در بینابین این شجاعت ها تاکید صرف بر کنار زدن حجاب برای جنبش آزادی زن اگر چه مهم است اما بیانگر همه واقعیات موقعیت و مطالبه جنبش برای آزادی زن نیست. موضوع زن و نابرابری حقوق زن فقط روسری نیست بحث بر عقاید خواسته افکار بیان منش و فکر اوست که به علاوه ی تن او به زنجیر پارچه هایی کشیده شده که مانع دیده شدن کامل زن است. زن تنها خواستار لغو حجاب نیست، آزادی برابری، امنیت، رفاه و دست یافتن به نظام حکومتی که زن در آن از حقوق کامل شهروندی و برابر برخوردار است پرچم و هدف زن در این مبارزه است.

مبحث فقط برداشتن روسری نیست. برابری حقوق اولیه ی انسان مانند عدم تبعیض به دلیل نوع جنسیت، برداشته شدن مرد سالاری و برابری جهانی برای اداره ی امور و اشتغال برای بهتر شدن جامعه ای که کمبود زن در آن به روشنی دیده میشود و برداشتن خط قرمز هایی مانند انتخابات شخصی هر فرد، نوع لباس، ازدواج، دوست، تفریح که باز هم به صورت تاکید حق اولیه ی یک انسان است، بتواند زندگی مفید تر و شاد تر داشته باشد و جامعه ای را رنگ دهد که به صورتی آشکار در این اعتراضات میبینیم. که زنان چگونه بی ترس و دلهره بی پشتیبانی مردان و بی هیچ واژه ای شعار سر میدهند، خفقان بدنی (روسری) را جدا میسازند، سایه به سایه مردان نارضایتی هارا بروز میدهند، باتوم را تحمل میکنند، زندان را تحمل میکنند، تحقیر و توهین را تاب میاورند، و کوتاه نمی آیند. و تازه به تشویق هر چه بیشتر مردم نیز میپردازند.

این دو نوع اعتراض و "انقلاب" است. یکی برای آزادی، دومی برای برابری. آتش زیر خاکستریست که شعله ور شده و پایه های تمامیت بدنی و خودمختاری، حق رأی، حق کار، حق دستمزد برابر به خاطر کار برابر، حق مالکیت، حق تحصیل، حق شرکت در ارتش، حق مشارکت در قراردادهای قانونی و در نهایت؛ حق سرپرستی فرزندان، حق ازدواج آزادانه و آزادی مذهبی را در برمیگیرد.

برای تغییر وضعیت موجود در جهت رسیدن به جامعه برابر باید مبارزه ای «همزمان» با نظام مردسالاری و سرمایه داری صورت پذیرد. بدین ترتیب، فضای عمل و حوزه مبارزه محدود به کارخانه ها نیست، بلکه مجموعه حوزه های عمومی و خصوصی که زنان در آنها مورد تبعیض قرار دارند، مکانی برای مبارزه است. اکنون وقت تبعیض و مسخره کردن و نابرابری نیست باید شانه به شانه ی همدیگر برای بهبود زندگی و به مقصد رسیدن اهدافی که برای آن خون مبارزین خود رد شده ایم و آن ها نیز دلیرانه سپر بلا شده اند تلاش کنیم. باید حالا که عمق کمبود را حس کرده ایم با تمام جان بایستیم و مبارزه کنیم. یک پایه مهم پیروزی این مبارزه در گرو اتحاد زنان و مردان مبارز حول سیاست و مبارزه انقلابی و سوسیالیستی برای رسیدن به یک جامعه بدون تبعیض، بدون استثمار و نابرابری، بدون فرهنگ مرد سالاری و دینی، و رسیدن به یک دنیای آزاد، برابر، خوشبخت و مرفه برای همگان میباشد. پیش بسوی این هدف!

بیانیه تشکلهای مستقل ...

کسانی که تا دیروز هر گونه اعتراضات کارگری و مردمی حق طلبانه را با اتهامات امنیتی و محاکمه و زندان جواب میدادند و اینک در برابر خشم توفنده میلیونی مردم ایران، اعتراضات بر حق آنان را فتنه و فتنه گری می نامند باید بدانند که دیگر زمان تغییرات بزرگ و انسانی در این مملکت فرا رسیده است و هیچ نیروی سرکوبی را یارای مقاومت در برابر حق طلبی و آزادیخواهی ما کارگران و مردم ایران نخواهد بود.

امری که در این میان روشن است و ما همراه با توده های زحمتکش مردم ایران آنرا فریاد میزنیم این است که باید خواسته های ما مردم برای پایان دادن به فقر و سیاه روزی به کرسی نشاندن شود، باید بساط هر گونه سرکوب و اختناق و زندان بر چیده شود، باید همه زندانیان سیاسی آزاد و غارتگران ثروتهای اجتماعی و عاملین و آمرین سرکوب و اختناق در هر مقام و منصبی مورد بازخواست و محاکمه قرار گیرند، باید اموال به غارت رفته مردم در موسسه های مالی عودت داده شود، باید حداقل مزد کارگران و کارکنان دولت و بخش خصوصی تا پنج برابر مبلغ کنونی افزایش و حقوقهای نجومی صاحب منصبان حکومتی بر چیده شود، باید برپائی تشکلهای مستقل کارگری و مدنی و آزادی بی قید و شرط بیان، مطبوعات و آزادی فعالیت احزاب بر قرار و تضمین شود و باید هر آنچه که خواست توده های میلیونی مردم ایران است به سرعت محقق گردد.

بدیهی است هر گونه عدم توجه نسبت به تحقق خواسته های کارگران و مردم زحمتکش ایران از طریق عوامفریبی یا دست بردن به سرکوب گسترده اعتراضات و یا تلاش برای سوار شدن به موج اعتراضات مردمی از سوی جناحهای حکومتی و اپوزوسیون رانده شده از قدرت در گذشته و حال، راه به جایی نخواهد برد و این بار، این ما کارگران و مردم ایران هستیم که با اتحاد و همبستگی و تداوم اعتراضات، سرنوشت خود را رقم خواهیم زد.

امضا کنندگان به ترتیب حروف الفبا:

اتحادیه آزاد کارگران ایران

انجمن صنفی کارگران برق و فلز

کرمانشاه

سندیکی نقاشان استان البرز

کانون مدافعان حقوق کارگر

کمیته پیگیری ایجاد تشکلهای کارگری

11 دی ماه 1396

نه قومی نه مذهبی، آزادی برابری

اطلاعیه حزب سوسیالیست انقلابی در باره تجمعات اعتراضی امروز در ایران

امروز، هفتم دی ۱۳۹۶، برابر با ۲۸ دسامبر ۲۰۱۷، اعتراضات گسترده ای در چند شهر از جمله در اصفهان، نیشاپور، بیرجند، کاشمر و... علیه گرانی و فقر صورت گرفت. این اعتراضات خیابانی از جانب نیروهای مسلح سرکوبگر رژیم اسلامی در اصفهان با خشونت و سرکوب و تیر اندازی هوایی روبرو گردید و تعدادی را نیز بازداشت و مجروح کرده اند. حزب سوسیالیست انقلابی ایران از اعتراض جامعه علیه فقر و گرانی، علیه تبعیض و سرکوب، و مبارزه برای سرنگونی کلیت جمهوری اسلامی با تمام قدرت حمایت می کند، و خود بخش تفکیک ناپذیری از این تلاش و مبارزه حق طلبانه است.

اعتراضات امروز شهروندان علیه گرانی و فساد، بخشی از خشم و انزجار و اعتراض بسیار عمیقتر اجتماعی است علیه جمهوری اسلامی. مبارزه ی بی وقفه که مدتهاست در جستجوی راه و آلترناتیوی معتبر و قابل اتکایی است برای به میدان آمدن و پایان دادن به حاکمیت سیاه جمهوری اسلامی ایران. اما متأسفانه به دلیل عدم وجود چنین آلترناتیوی در این همه سال، این مبارزات یا با شکست مواجه شده است یا به بیراهه برده شده اند. بخشهای از خود رژیم، یا جنبشهای ارتجاعی ملی و اسلامی دیگر توانسته اند با طرح شعارها و مطالبات خود و تبدیل آن به شعار و مطالبه معترضین مانع به سر انجام رسیدن صف مستقل مبارزات انقلابی کارگران و مردم زحمتکشی شده اند که در سایه جمهوری اسلامی در این ۳۹ سال سخت ترین و پر مشقت ترین زندگی را تجربه کرده اند. حزب ما تشکیل شده است که در کنار صف دهها میلیونی کارگران و زنان و جوانان معترض و آگاه به این واقعیتها اجازه ندهیم مبارزات جامعه را بیش از این سرکوب و یا به مسیر نادرست هدایت کنند. صف سوسیالیستی ما همچنین اجازه نمیدهد که چپ پوپولیست و خرده بورژوازی فریز شده در سال ۵۷ دوباره به "اتحاد مردم" فکر کنند و جامعه را به دنبالچه صف بورژواها و خرده بورژواها سوق بدهند، و با تبلیغات مسموم پوپولیستی مانع شکل گرفتن صف مستقل سوسیالیستی و آزادیخواهانه و انقلابی شوند.

نباید اجازه داد بیش از این مطالبات بر حق طبقه کارگر و اکثریت جامعه را به بازپچه یک مشت جریانات دولتی و غیر دولتی عقب مانده و ضد آزادی و برابری و رهائی واقعی تبدیل کنند. اولین گام رسیدن به این هدف پرهیز از طرح مطالبات و شعار و اهدافی است که شناخته شده اند و به صف آزادیخواه سرکوب شده دست مذهب و ناسیونالیسم و سرمایه داران در این چهار دهه تعلق ندارند! هر شعار و اعتراضی چون علیه فلان مسئول رژیم یا دولت است به هیچ وجه قابل حمایت و مترقی نیست!

در اعتراضات امروز نیز، ضمن اعتراض توده ای برحق علیه گرانی و فساد و دیکتاتوری، در مواردی همزمان شاهد تکرار همان سیاست و شعارهای بودیم که ۳۹ سال است بر علیه خود شهروندان آزادیخواه و برابری طلب و مردمی که علیه فقر و گرانی و سرکوب و مذهب و فاشیسم حکومت اسلامی به میدان میایند نتیجه داده است! باید اکیدا از تکرار آنها پرهیز نمود! و صف خود را از این دسته از "مردم" و جنبشهای غیر مترقی، فوراً جدا نموده و به شکل دادن به صف مستقل و مبارزه رادیکال و آزادیخواهانه خود ادامه داد. شعارهای امروز، مانند "... اعدام باید گردد"، "الله و اکبر"، "جانم فدایت ایران"، و یا مرگ گفتن به فردی در حاکمیت و سکوت در مقابل سران جناح دیگری از رژیم از جمله روشهای است که نه تنها جامعه تشنه آزادی و برابری و معترضین به گرانی و فساد و حاکمیت سیاه اسلامی را به مسیر درست هدایت نمیکند که دقیقاً به نفع همین رژیم، شاخه ای از آن، یا جریانات فاشیست ناسیونالیست- ایرانی گری و مذهبی در داخل و خارج کشور تمام خواهد گردید.

حزب سوسیالیست انقلابی این نوع شعارها و سیاستها را نه تنها حمایت نمی کند که کاملاً علیه آن بوده و آن را متعلق به طبقه کارگر و زنان و جوانان پیشرو و متدین نمیداند. حزب سوسیالیست انقلابی، طبقه کارگر ایران، همه آزادیخواهان و معترضین به گرانی و فساد و اعدام و زندان و سرکوب را به پیوستن به سیاستهای رادیکال و سوسیالیستی، به صف واحد طبقاتی و آزادیخواهانه و به اقدام سازماندهی شده تحت پرچم و شعارهای آزادیخواهانه و سوسیالیستی حزب سوسیالیست انقلابی، و شکل دادن به مبارزه قهر آمیز و انقلابی علیه همه جناحهای رژیم فاسد اسلامی و سرمایه داران فرامیخواند.

ما خواهان آزادی فوری کلیه دستگیر شدگان اعتراضات امروز و محاکمه علنی عاملین تیراندازی و سرکوب معترضین هستیم.

آزادی، برابری، رفا، امنیت

مرگ بر جمهوری اسلامی

زنده باد سوسیالیسم

حزب سوسیالیست انقلابی ایران

۱۳۹۶ دی ۷

۲۸ سپتامبر ۲۰۱۷

iransocialist2017@gmail.com

/http://www.simroz.org/index



نشریه شنبه ها

منتشر میشود

روزهای شنبه هر هفته
نشریه "سوسیالیسم
امروز" منتشر میشود.
آخرین زمان برای ارسال
مطالب برای نشریه
روزهای پنجشنبه هر هفته
است.

موازین انتشار

مقالات در نشریه

سوسیالیسم امروز:

- سردبیر در انتشار، رد و
ویرایش مقالات آزاد است!
- مقالاتی در این نشریه منتشر
میشوند که تنها برای این
نشریه فرستاده شده باشد.
- مسنولیت مقالات با
نویسندگان آن است.
- حداکثر حجم مطلب منتشره در
نشریه دو صفحه آ ۴ با فونت
۱۲ میباشد.

مقالات و گزارشات خود را لطفاً
به این آدرس ایمیل بفرستید:

S_zijji@yahoo.se

به ما کمک مالی کنید

از طریق این شماره حساب
کمک های مالی خود را برای
ما بفرستید.

SWEDEN
SEB BANK
50550056411

هر میزان از کمک مالی شما
انسانهای مبارز و دلسوز
مستقیماً به پیشرفت ما در
جهت گسترش مبارزه خود
برای آزادی و برابری و تداوم
مبارزه همه جانبه تر خود به
منظور سرنگونی جمهوری
جناپتکار اسلام کمک فوری
خواهد کرد.

اخراج و بیکار سازی موقوف!